



ما می گوئیم:

(۱) ما حصل فرمایش امام آن است که:

- ✓ (الف) در دود دهن امکان عدم استحاله هست.
- ✓ (ب) اجزاء کوچک دهن نجس، نجس نیست ولی اگر متراکم شدند نجس هستند.
- ✓ (ج) اگر چراغی مدتی طولانی زیر سقف باشد احتمال نجاست سقف وجود دارد.
- ✓ (د) پس روایت می گوید مستحب آن است که زیر سقف نباشد چراکه احتیاط مستحب است.

(۲) درباره نجاست ذرات اجتماع یافته برخی از شاگردان امام نوشته اند:

«نعم لو فرض تصاعد كثير من الأجزاء الدهنية معه بحيث يدرك العرف أيضا ذلك و ربما يستشهدون لذلك بدسومة الدخان وجب الاجتناب حينئذ. و أمّا الأجزاء الصغار التي لا يدركها العرف و يحتاج في إدراكها إلى المكبرات و الآلات الحديثة فلا حكم لها شرعا، و إلّا لتنجس الهواء و الأشياء ببخار النجاسات و المتنجسات و أرياحها لاستحالة انتقال العرض فتكشف الأرياح عن وجود الذرات.»^۱

(۳) مراد از احتیاط استنباطی، در اینجا اصطلاح معروف در کتب فقهی نیست چراکه آن جا شبهات حکمیه اند یعنی فقیه اگر دلیلی نیافت حکم به احتیاط می کند چراکه احتیاط مستحب است علی کل حال. ولی در ما نحن فیه امام معصوم حکم به احتیاط کرده است و شبهات در اینجا شبهات موضوعیه است. اما: ملاک استنباط در اینجا، همان ملاکی است که در کتاب های فتوایی مطرح است و آن هم استنباط احتیاط است پس استنباط در این مسئله استنباط نفسی نیست بلکه استنباط طریقی است.

حضرت امام در ادامه مبنای خود را تنقیح کرده و می نویسند:

«فما ربما يقال: إن مقتضى تعلّق الحكم على العنوان و إطلاقه عدم جواز الاستصحاب به و لو لحظة بل و لو كان السقف مرتفعا إلى الثريا، ناش من عدم التأمل في الرواية و ارتكاز العقلاء، فإنّ العناوين مختلفة، فربما لا تكون لها نفسية حتى يأتي فيها ما ذكر، نظير قوله في روايات الباب: و أعلمهم إذا بعته، فإنّ الإعلام بحكم العرف ليس إلّا للتحفظ عن الابتلاء، فمع العلم بعدمه لا يجب كما مر. و ليس لأحد أن يقول: إن مقتضى الإطلاق وجوبه و لو مع لغوية الإعلام، ضرورة عدم الإطلاق لمثله، و المقام من قبيله، فإنّ أهل العرف لا يفهمون من النهي عن الاستصحاب تحت السقف، إلّا للتزّه عن النجس المحتمل أو المظنون، فلا إطلاق له يشمل ما ذكر.»^۲

توضیح:

۱. اینکه گفته شود: «حکم (جواز استصحاب) معلق بر عنوان (سماء) شده و اطلاق سماء باعث می شود که بگوئیم حتی

۱. دراسات في المكاسب المحرمة؛ ج ۲، ص: ۴۵

۲. المكاسب المحرمة (للإمام الخميني)؛ ج ۱، ص: ۱۵۲



برای یک لحظه هم اگر روغن را زیر سقف حتی اگر ثریا مرتفع باشد- روشن کنیم حرام است» باطل است.

۲. چراکه عناوین اتخاذ شده در احکام چند دسته اند:

۳. برخی از عناوین هیچ موضوعیتی (نفسیت) ندارند مثل ما نحن فیه و مثل «اعلام». چراکه عرفاً وقتی

حکمی متوقف بر اعلام می شود، عرف از آن موضوعیت نمی فهمد بلکه موضوع را «تحفظ از ابتلاء» می

داند و لذا اگر تحفظ حاصل شد اعلام لازم نیست چراکه اعلام در این دلیل اطلاق ندارد و ما نحن فیه هم

از همین قبیل است (عرف ملاک از عدم روشن شدن تحت الظل را تحفظ از نجاست احتمالی می داند).